

توضیح :

بخش اعظم این مقاله قبل از پلنوم بیستم نوشته شده و بعد از یک وقفه طولانی بعد از پلنوم تکمیل شده است. در طرح اول میخواستیم پس از پاسخ جدلی به مقاله رفیق مهتدی بخشی را به بحث اثباتی تفصیلی ای در رابطه با رویدادهای منطقه و همینطور ریشه‌های این اختلاف در حزب کمونیست ایران اختصاص بدهیم. با توجه به اتفاقات بعدی در حزب بدلائل مختلف از این طرح صرفنظر کردم. با اینحال فصلی را، نه به تفصیلی که قبلا مورد نظر بود، در مورد این جنبه‌های مساله بصورت موخره در انتهای مطلب اضافه کرده‌ام. بعلاوه تصور میکنم در نقد نظرات و نوشته‌های رفیق مهتدی به اندازه کافی نظر اثباتی خود را در قبال جنبه‌های مختلف رویدادهای منطقه منعکس کرده‌ام.

در نوشتن پاسخ رفیق مهتدی برای من یک دشواری معین وجود داشته است. مقاله "تخطئه انقلاب" تبیین واقعی رفیق مهتدی از مسائل مورد بحث نیست. رفیق در این مقاله از تبیین ناسیونالیستی پیشین خود در یک قالب پوپولیستی دفاع میکند. این پوپولیسم اضافی و عاریه است. مانند کل کاربست پوپولیسم، در این مورد هم این قالب "خلقی" و "مردمی" قرار است به افق طبقاتی مشخصی، یعنی ناسیونالیسم، ظاهر انقلابی و رادیکال بدهد. در نقد "تخطئه انقلاب" من ناگزیر بوده‌ام هم این پوپولیسم عاریه و هم ناسیونالیسم واقعی پشت آن را نقد کنم. بنابراین بخش زیادی از این نوشته نقدی است بر نظراتی که از نقطه نظر صاحب آنها هم جدی نیست. آژیتاسیون پوپولیستی ای که بدنه اصلی "تخطئه انقلاب" را تشکیل میدهد گرد و غباری است که قرار است ناسیونالیسم واقعی نوشته‌ها و قطعنامه‌های قبلی رفیق مهتدی را از دید منتقد مارکسیست مخفی نگاهدارد.

اگر "تخطئه انقلاب" برای تغییر ریل بحث واقعی نوشته شده، چرا من به این تفصیل به آن پرداخته‌ام؟ به این دلیل که:

اولا، "تخطئه انقلاب" مشحون از تصویرسازی‌ها، تحریفات و اتهامات سیاسی و غیر سیاسی به حزب معین، رهبری حزبی معین و اشخاص معینی است. ناروایی که روی کاغذ آمده است بنظر من باید حتما روی کاغذ هم جواب بگیرد. ما شخصیت‌های زنده یک حرکت سیاسی معین هستیم. بیانات ما هرقدر سطحی یا عمیق و صمیمانه یا مغرضانه باشد، ماتریال دست اول برای قضاوت اجتماعی و تاریخی این جریان است. هرکس بعنوان شرکت کننده مستقیم در حزب کمونیست هر حکمی راجع به این پدیده بدهد، من بعنوان یک شرکت کننده دیگر خود را موظف میدانم روایت خود را در مقابل آن بدهم. شاید کسی نه آن روایت و نه این را امروز نخواند. اما به سهم خود اجازه نمیدهم کسی روزی جایی حزب کمونیست ایران، دفتر سیاسی حزب، و آدمهایی را که در این حزب فعالیت کرده‌اند را تنها بر مبنای نوشته‌هایی نظیر "تخطئه انقلاب" قضاوت کند. میخواهم از امروز تا هزار سال دیگر اگر کسی خواست این تجربه کمونیستی مشخص را لوٹ کند، آنها که برای این تجربه ارزش قائلند دست خالی نباشند و تحریف تاریخ این حزب، و به این اعتبار کمونیسم، ساده نباشد. من جواب "تخطئه انقلاب" را در درجه اول برای خواندن کسی ننوشته‌ام. برای خود مقاله "تخطئه انقلاب" ننوشته‌ام. بگذارید ناگزیر باشند همیشه آن نوشته را با جوابش دست مردم بدهند.

ثانیا، این جدل علیرغم ائتلاف انرژی‌ای که همراه داشته به من امکان داده است تا به سهم خود تلاش کنم نوع مشخصی از کمونیسم را بشناسانم. بنظر من مطالعه این نوشته، بخصوص با فرم جدلی‌ای که دارد، کمک میکند نه فقط نظرات ما در قبال رویدادهای خاورمیانه بهتر درک شود، بلکه همچنین زوایایی از بحث کمونیسم کارگری بیشتر باز بشود.